

## جوانه و سنگ - صفحه ۲۳

## #تاریخ ادبیات:

نویسنده: خانم سرور کتبی / نویسنده معاصر / اهل اهواز / بعضی از آثار وی: من پیدا شده‌ام، اکسیژن و هم‌بازی هایش، بوی خوب

## #معنای لغات:

ذرات: جمع ذره / زمین تیره: خاک بی‌روح / نگرانی: اضطراب و دلهره / بی‌تاب: بیقرار، نگران / طراوت: شادابی / اندوه: غم / ظریف: نازک و باریک همراه با زیبایی / دور و بر: اطراف / از اینجا می‌گذشتم: عبور می‌کردم / سیراب شدن: برطرف شدن تشنگی / عطر: بوی خوش / توری: بسیار نازک / افق: کرانه‌ی آسمان / نظر: دیده، چشم / خزیدن: حرکت مارگونه / خیره شد: نگاه یکسره، زُل زد / بال زنان: پرواز کنان / آسوده: راحت / یک‌نواخت: بدون هیجان / راضی: قانع، خشنود / ارمغان: سوغات، هدیه / طعم گوارا: مزه‌ی دلچسب و لذت‌بخش / آب از دل زمین: در اعماق زمین / گوارا = زلال: دل چسب / گریخته بود: فرار کرده بود / بهت = حیرت: متحیر شدن، شگفتی / دلپذیر: پسندیده، مطبوع / می‌مکید: می‌نوشید

## #آرایه‌ها:

آرایه‌ی غالب کل متن: تشخیص

صفحه ۲۳: جوانه در حال به دنیا آمدن بود: کنایه از رویدن / خاک تیره: کنایه از بی روح بودن خاک / سینه‌ی خاک: اضافه‌ی استعاری / سینه‌ی خاک را شکافت: کنایه از اینکه از خاک بیرون آمده است: کنایه از اینکه نرویده است / به این سرزمین خشک دعوت می‌کنم: کنایه از می‌آورم / او را از پای درآورده بود: کنایه از ضعیف و ناتوان شده بود

صفحه ۲۴: «تو سنگ مهربانی هستی ولی سنگ چه طور می‌تواند به یک گیاه تشنه کمک کند؟»: استفهام انکاری / ریشه‌ی خشک جوانه سیراب می‌شود ← ریشه: مجاز از تمام گیاه / چند قدمی: کنایه از فاصله‌ی کم / او را از خواب بیدار کن ← خواب: استعاره از رکود و توقف / سنجاقک به هوا پرید: کنایه از خوشحالی فراوان / لبخند غمگین: تناقض یا پارادوکس / نور کم رنگ شادی ← نور شادی: اضافه‌ی تشبیه‌ی / سینه‌ی زمین: اضافه‌ی استعاری

صفحه ۲۶: دنیای خواب و خیال: اضافه‌ی تشبیه‌ی / لحظه‌ها را می‌شمرد: کنایه از انتظار کشیدن / دست‌های گیاه به طرف مرداب دراز شده بود: کنایه از بیان نیاز / قلبش از درد فشرده شد: کنایه از ناراحتی / سکوت تلخ مرداب: حس آمیزی / سکوت را می‌شکست: کنایه از اینکه صدا می‌آمد / از مرداب بگو، از آب بگو ← آب و مرداب: سجع

صفحه ۲۷: پرنده آن قدر بالا بود که مثل نقطه سیاه: تشبیه / قلبش از سنگ است: کنایه از بی‌رحمی / دستش را برای نجات آن‌ها دراز نمی‌کند: کنایه از کاری نکردن، عدم توجه به دیگران / اندوه در قلبش لانه کرده بود: تشبیه قلب به لانه / دلش را به درد آورد: کنایه از اندوه و ناراحتی

صفحه ۲۸: سینه‌ی آسمان: اضافه‌ی استعاری / تاریکی و تیرگی: استعاره از مرگ و نابودی / بوی آب می‌شنوم: حس آمیزی / آب به روشنی آفتاب: تشبیه آب به آفتاب (وجه شبه: روشنی) / آب به زیبایی زندگی: تشبیه آب به زندگی (وجه شبه: زیبایی) / دل و جان: مجاز از تمام وجود / برجای خود خشکش زد: به کنایه متعجب و متحیر شد

## #نکات دستوری:

صفحه ۲۳: جوانه‌ی عزیز، به سرزمین ما خوش آمدی ← جوانه‌ی عزیز: منادا

صفحه ۲۷: نه جویباری هست، نه رودی (هست) و نه چشمه‌ای (هست): حذف فعل هست به قرینه‌ی لفظی

صفحه ۲۸: آب به روشنی آفتاب بود و به زیبایی زندگی (بود): حذف فعل بود به قرینه‌ی لفظی

## #خود\_ارزیابی:

۲- دل رحمی و شفقت، درک حقیقت - بی خیال نبودن نسبت به حوادث دور و بر